نیمه پنهان کشمیر – ۴۸

بیم و امیدهای عبور از یک ایست بازرسی

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

رشید نمی‌دانست که سربازان نیروی امنیت مرزی یک ساعت پیش با یک گروه گشتی از نیروهای ذخیره پلیس مرکزی مواجه شده‌اند. این دو نیروی شبه نظامی ارتش هند در جست‌وجوی مبارزان اشتباها به‌سوی همدیگر تیراندازی کردند.

برادر رشید از جا بلند شد در حالی‌که مجوز عبور را در دستش گرفته بود با دست دیگرش در را باز کرد و پیاده شد. او به طرف افسر نیروی امنیت مرزی حرکت کرد تا برگه را به او نشان دهد. نیروهای امنیت مرزی اصلا به آن مجوز که خودشان صادر کرده بودند اعتنایی نکردند.

رشید مشاهده کرد که دو تن از نیروهای امنیت مرزی برادرش را از ناحیه گردن گرفته و او را کشان‌کشان به‌طرف کنار جاده برده و شروع به ضرب و شتم او کردند.

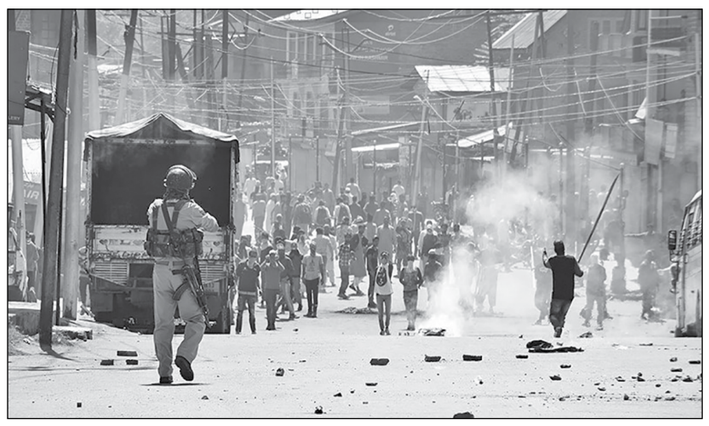

رشید می‌خواست اعتراض کند یا از آنها خواهش کند اما پاهایش قدرت حرکت نداشتند.

او مشاهده کرد که نیروهای امنیت مرزی اتوبوس را محاصره کردند. او از روی شانه‌هایش به موبینا نگاه کرد. او همراه با ساقدوشش روی صندلی نشسته و از ترس همدیگر را بغل کرده بودند.

رشید می‌خواست به‌طرفش برود اما ناگهان تیراندازی شروع شد.

نیروهای امنیت مرزی وارد اتوبوس شده و چند خشاب جنگی داخل اتوبوس خالی کردند. رشید سربندش را انداخت و مثل بقیه زیر صندلی و کف اتوبوس قایم شد.

چند لحظه بعد او احساس کرد چیزی شانه‌هایش را می‌خراند.

گلوله به شانه‌های رشید اصابت کرده از آن رد شده و به دست پسر عمویش «سبزار» خورده است.

یک رگبار دیگر گلوله این باراز بیرون وسط اتوبوس را هدف گرفت. سه گلوله هم به شانه، پشت و باسن موبینا اصابت کرد. بعد از ۱۵ دقیقه آتشباری خاموش شد. سرباز امنیت مرزی به مسافران دستور داد از اتوبوس خارج شوند.

همه مسافران مورد ضرب و شتم جمعی قرارگرفتند.

رشید روی زمین افتاد و هوشیاری‌اش را از دست داد موبینا همراه با ساقدوشش همراه با سایرین کنار جاده ایستادند.

گروهی از سربازان نیروی امنیت مرزی موبینا که بدنش در حال خونریزی بود را همراه با خدمتکارش به‌طرف مزارع خردل در کنار جاده بردند.

در همین گیر و دار تعداد نامشخصی از سربازان نیروی امنیت مرزی به این دو زن مجروح تجاوز کردند.

موبینا گفت: من نمی‌توانم حتی تعداد آنها را به یاد داشته باشم.

من همه احساساتم را از دست داده بودم. بعدا گروه دیگری از پرسنل نیروی امنیت مرزی به رهبری افسر عالی‌رتبه به صحنه حادثه رسیدند. آنها مجروحین زن و مرد را به بیمارستان آنانتناگ منتقل کردند. صبح روز بعد مقامات دولت ایالتی به بیمارستان رسیده و اظهارات رشید، موبینا و سایرین را یادداشت کردند.

نیروهای امنیت مرزی وارد اتوبوس شده و چند خشاب جنگی داخل اتوبوس خالی کردند. رشید سربندش را انداخت و مثل بقیه زیر صندلی و کف اتوبوس قایم شد. چند لحظه بعد او احساس کرد چیزی شانه‌هایش را می‌خراند...

رئیس بخش مدیریت منطقه از خزانه ایالتی به هرکدام از قربانیان ۳۰۰۰ روپیه تحت عنوان جبران خسارت اختصاص داد اما قربانیان از دریافت آن امتناع کردند.

رهبران جدایی‌طلب در بیمارستان و روستا به ملاقات آنها آمده و ضمن سخنرانی به روستاییان از آنها خواستند در کنار این زوج باشند.

رشید به بیمارستان بهتری در سرینگر انتقال یافت.

پنج گلوله همچنان در بدن او باقی مانده است. پزشکان دو گزینه را در مقابل او قرار دادند. اول با گلوله‌ها در بدنت زندگی کن و یا اینکه خطر عمل جراحی که ممکن است قابلیت تحرک جسمانی را از تو بگیرد بپذیر.

او با عمل جراحی مخالفت کرد و به خانه بازگشت و تصمیم گرفت زندگی جدیدی را شروع کند.

رشید و موبینا با یک استقبال که توأم با «سکوت خصمانه» بود به خانه برگشتند.

برای خانواده رشید و روستاییان موبینا یک طالع بد بود: عامل بدبختی که جان یک نفر را گرفت و ۱۰ نفر دیگر را مجروح کرد.

فامیل‌های رشید او را طرد کردند اما والدین موبینا و برخی از دوستان در کنار این زوج ایستادند.

رشید برای یک سال نمی‌توانست کار کند. این زوج با کمک‌های والدین موبینا به زندگی‌شان ادامه دادند.

رشید می‌خواست سهمش را از ملک خانوادگی بفروشد اما آنها این حق را هم از او سلب کردند.

یک سال بعد موبینا فرزند پسری به دنیا آورد اما ظرف چند هفته از دنیا رفت.

او قصد داشت خودکشی کند اما رشید از او تمنا کرد که قوی‌تر باشد. پس از پشت سر گذاشتن تروما او کار نجاری را دنبال کرد.

در مواقعی هم که بیکار بود به کارهای روزمزد مانند کارگر ساختمانی، حمل آجر، کار در مزرعه، درو محصول و... مشغول می‌شد.

موبینا هم از یک طرف در کارهای خیاطی و کار در مزرعه مشغول بود و از طرف دیگر با طعنه‌ها، زخم‌زبان‌های فامیل، همسایه‌ها و روستاییان مواجه بود.

او هنگام گرفتن آب آشامیدنی از شیر عمومی روستا زمانی که در صف می‌ایستاد همیشه سرش را پایین نگه می‌داشت.

در خیابان‌های روستا او طوری حرکت می‌کرد که دیده نشود. کوچک‌ترین بحث و جدل و مشاجره ترومای او را شدیدتر می‌کرد.

موبینا به من گفت: آنها مدام با طعنه می‌پرسند:

- آیا تو همان عروسی نیستی که مورد تجاوز قرار گرفتی؟

- آیا تو همان کسی نیستی که با خودش «بدبختی» را به همراه آورد؟

روستاییان برای آنها القابی همچون «عروس و داماد بدشگون» انتخاب کرده‌اند.

دستور تحقیق و رسیدگی به این حادثه از سوی مقامات ذی‌ربط صادر شد.

ادعا می‌شود برخی از سربازان شبه نظامی به حالت تعلیق درآمدند!

نیروهای جدیدی جای آنها را گرفتند: سربازانی که نه موبینا را می‌شناختند نه رشید را اما موبینا همچنان با دیدن یک یونیفورم نظامی به خود می‌لرزد.

آن شب مثل شبحی همچنان بر روح و روان موبینا حاکم است و از وجود او بیرون نمی‌رود.

موبینا یک چای برای من ریخت و با دست دیگر اشک‌هایش را پاک کرد.

رشید سکوت اختیار کرده بود من داشتم به نقش پژمرده گل‌های روی چهل تکه نگاه می‌کردم. دخترشان وارد شد و ما را از این سکوت سنگین خلاص کرد.

او یک یونیفورم سفید آبی پوشیده بود و یک کیف مدرسه در دست داشت.

دختر که کلاس چهارم ابتدائی در مدرسه روستا بود به طرف مادرش دوید و روی پاهایش نشست. او دفتر تکالیف درسی‌اش را به من نشان داد.

او در دفتر تکلیف انگلیسی نوشته است: «می‌خواهد یک پزشک شود».

من از پنجره به بیرون نگاهی انداختم، باد ملایمی می‌وزید و شاخه‌های درخت بید مجنون در پشت حیات خانه به آرامی به این طرف و آن‌طرف تاب می‌خوردند.

رشید و موبینا مرا تا دم در مشایعت کردند، رشید دست دخترش را گرفته بود و پسرشان محکم به موبینا چسبیده بود. آنها دست تکان داده و می‌خندیدند.

پس از ملاقات با خانواده رشید من به یاد شعری از یک شاعر کشمیری به نام فاروق نزاکی افتادم که گفت: «مادران لباس‌های خون‌آلود دامادها را درکنار جویبارها می‌شویند لباس‌های آتش گرفته عروس به خاکستر بدل شده است ساقدوش‌های عروس گریه و فغان سر می‌دهند و (رود) جهلم همچنان جاری است.»

من نتوانستم به دو روستای کنان و پوشپورا در شمال کوپوارا جایی که سربازان ارتش هند به بیش از ۲۰ زن درسنین مختلف در ۱۹۹۰ تجاوز جنسی دسته جمعی کردند بروم.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۱۸

موسیقی با حقیقت ارتباط دارد اما نه‌چندان زیاد!

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

فصل چهاردهم

«به نظر من سازوکار خلق و حفظ سلبریتی‌ها، بسیار فراتر از محتوایی است که شایسته بزرگداشت است.»

فیلیپ لار کین

بر خلاف کمیته آمریکایی، که ناتوانی‌اش در اتخاذ موضعی منسجم درباره یک مسئله مهم، افول قریب‌الوقوعش را تسریع کرد، کنگره آزادی فرهنگی تا اواسط دهه ۱۹۵۰، به وضوح قلمرو خود را مشخص نموده بود. تحت هدایت قاطعانه جوسلسون، این کنگره، به عنوان ائتلافی جدی از روشنفکران متعهد به اثبات نادرستی افسانه‌های شوروی و برتری دموکراسی غربی به عنوان چارچوبی برای پژوهش‌های فرهنگی و فلسفی، شهرت یافت. اگر چه ترکیب حلقه درونی یا «هسته هدایتگر» آن تغییر نکرد، اما اکنون می‌توانست به خود ببالد که چهره‌های سرشناس روشنفکری و هنری در آن عضویت دارند.

نام افراد برجسته‌ای چون جولیان هاکسلی، میرچا الیاده، آندره مالرو، گیدو پیونه، هربرت رید، آلن تیت، لیونل تریلینگ، رابرت پن وارن، دبلیو اچ. آودن، تورنتون وایلدر، جایاپراکاش نارایان - و بسیاری دیگر از بزرگان، صفحات مجلات اینکانتر(Encounter)، پرووه (Preuves) و دیگر نشریات منتشر شده توسط کنگره یا وابسته به آن را آراسته بود.

کوادرنوس (Cuadernos) که در سال ۱۹۵۳ به سردبیری رمان‌نویس و نمایشنامه‌نویسی به نام جولیان گورکین، در پاریس راه‌اندازی شد، هدفش روشنفکران آمریکای لاتین بود. در وین، کنگره در اوایل سال ۱۹۵۴ مجله فوروم (Forum) را به عنوان یک ماهنامه منتشر کرد که رمان نویس و منتقدی به نام فردریش توربرگ سردبیر آن بود. به او لقب «فردی د. تورت» (Freddy the Torte) را داده بودند. او شخصیتی خارق العاده داشت، زیرا به همان اندازه که مردم را از خودش دفع می‌کرد، به همان اندازه ایشان را به سوی خود جذب می‌نمود.

کاستلر (Koestler) با بیانی ستایشگرانه درباره او نوشته «او آخرین موهیکان[1] از نسل مردمان دانوب و از اهالی وین باستانی است؛ او مانند کسی است که شاید فقط در خیال ما وجود دارد». اما دیگران او را مغرور و متعصب می‌دانستند. کمونیست‌ها تحت عناوین «جاسوس آمریکایی... افتراء زن... و خبرچین» به او حمله کرده و لحن ضدبی‌طرفی مجله‌اش را توطئه‌ای آمریکایی می‌خواندند.

فوروم موضوعات معمول کنگره را توسعه داد و توربرگ از رابطه کاری خوبی با دبیرخانه پاریس برخوردار بود. اما جوسلسون گاهی مجبور می‌شد او را تنبیه کند، مانند یک مورد در سال ۱۹۵۷ که فروم مقاله‌ای را از نشریه راست‌گرای «تشنال ریویو» تجدید چاپ کرد.

جوسلسون گفته بود که آن مقاله «در شأن یک مجله کنگره نیست. توربرگ هم سرافکنده پاسخ داده بود: «این کار دیگر تکرار نخواهد شد.»

نشریه «علم و آزادی» در پاییز ۱۹۵۳ پس از برگزاری همایشی به همین نام توسط کنگره راه‌اندازی شد. این همایش که در ژوئیه ۱۹۵۳ در هامبورگ برگزار شد، کمک‌های مالی ۱۰۰۰۰ دلاری از بنیاد راکفلر و ۳۵۰۰۰ دلاری از بنیاد فارفیلد دریافت کرد. سردبیر نشریه همنام همایش (علم و آزادی)، مایکل پولانی بود که در همان سال به عضویت کمیته اجرائی درآمد. این نشریه با پرداختن به مسائلی مانند تبعیض نژادی در آمریکا و آپارتاید در آفریقای جنوبی، موضوعاتی را مطرح نمودکه کنگره عموماً درباره آنها سکوت کرده بود. همچنین، این نشریه مدت‌ها قبل از این که بیشتر مردم معنی کلمه «آشتی» (détente) را بدانند، آن را به رسمیت شناخت. نشریه علم و آزادی، تبادلات فکری با بلوک شوروی را تشویق کرد و مواضع غرب را در جنگ سرد ملایم‌تر نمود. اما به عنوان یک بولتن دوسالانه با مخاطبان محدود، صدای آن هرگز بیش از نوای یک نی در تندباد جدل‌های جنگ سرد نبود.

نشریه بررسی شوروی (Soviet Survey) در سال ۱۹۵۵ به عنوان یک خبرنامه ماهانه تحت سردبیری مورخی به نام والتر لاکور (Walter Laqueur)، که نماینده رسمی کنگره در اسرائیل نیز بود، شروع به کار کرد. جوسلسون او را «یکی از بهترین کارشناسان بین‌المللی در مورد اتحاد جماهیر شوروی» می‌دانست. لاکور با نام مستعار مارک الکساندر مطالب گسترده‌ای در مورد مسائل روسیه نوشت. تحت هدایت او، نشریه بررسی شوروی، تحقیقاتی را درباره زندگی فکری، هنری و سیاسی در بلوک شرق انجام داد که در مقایسه با سایر نشریات غربی، بینش بی‌همتایی را به مخاطبان ارائه می‌داد. اگرچه ادعاها مبنی بر این که نشریه بررسی شوروی «پر از هیجان بوده»، ممکن است اغراق‌آمیز باشد، اما بدون شک این نشریه خوانندگان گسترده و وفاداری داشت. جای شگفتی این که حتی برخی از مجلات کمونیستی احساس می‌کردند می‌توانند مطالب مفیدی را از نشریه بررسی شوروی برداشته و در نشریات خود بیاورند، موضوعی که باعث شد جوسلسون با نگرانی به لاکور بنویسد که «ما نمی‌خواهیم نشریه‌های طرفدار شوروی، با استفاده از برخی از مطالب ما، تبلیغات سیاسی خود را خوب جلوه دهند.»

بر خلاف کمیته آمریکایی، که ناتوانی‌اش در اتخاذ موضعی منسجم درباره یک مسئله مهم، افول قریب‌الوقوعش را تسریع کرد، کنگره آزادی فرهنگی تا اواسط دهه ۱۹۵۰، به وضوح قلمرو خود را مشخص نموده بود. تحت هدایت قاطعانه جوسلسون، این کنگره، به عنوان ائتلافی جدی از روشنفکران متعهد به اثبات نادرستی افسانه‌های شوروی و برتری دموکراسی غربی به عنوان چارچوبی برای پژوهش‌های فرهنگی و فلسفی، شهرت یافت.

پانوشت‌ها:

۱- «موهیکان» یک قبیله خیالی از سرخپوستان اصیل آمریکا که در بالای رودخانه هدسن در ایالت نیویورک زندگی می‌کردند. نام این قبیله توسط جیمز فنیمور کوپر در داستان‌هایش مانند «آخرین موهیکان» که توسط مایکل مان در سال ۱۹۹۲ به فیلم نیز درآمد، استفاده شده است.

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز			
۳۳۱۱۰۲۰۲			
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۱۱۰۲۰۸	۳۳۱۱۲۱۹۳	
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۹۱۱۵۶۸	۳۳۱۱۲۲۹۱	
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۹۲۳۶	۳۳۱۱۳۰۸۵	
	۳۳۱۱۲۱۹۵	۳۳۹۴۲۰۰۰	

جنوب	
سعدی	۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳
شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴
اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳
چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال	
قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا	۶۶۵۹۲۲۶۶-۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

برگ سبز (شناسنامه مالکیت) کامیون وان وانا مدل ۱۴۰۲ به شماره انتظامی ۷۴۱ ب ۵۹ ایران ۳۱ با شماره شاسی NA۱۳۶۶۱۹۳۳PA۰۰۳۶۵۹ و شماره موتور ۳TZ۱۱۷۴۷۹ به نام محسن گودرزی به شماره ملی ۴۰۷۳۶۷۶۴۲۳ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (لرستان)

برگ سبز و سندمالکیت خودروی سواری پراید، تیپ جی تی ایکس آی، مدل ۱۳۸۴ ، به رنگ سفید شیری روغنی، به شماره موتور ۱۳۷۸۴۲۳و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۴۷۲۶۹۸۴ و به شماره پلاک ۹۷۶ ص ۱۱ ایران ۷۶ متعلق به آقای عبدالله لاجوردی سالکویه مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد. (لنگرود)

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) کامیون کشنده دانگ فنگ مدل ۲۰۰۷ به رنگ سفید شیری معمولی به شماره انتظامی ۶۷۳ ع ۳۵ ایران ۲۱ و شماره موتور ۶۹۱۸۳۳۱۸ شماره شاسی ۲۷۳۰۱۱۰۵۷ نام امیرحسین عافیتی سرخ به شماره ملی ۴۰۰۰۳۶۱۰۴۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است . (اسدآباد)

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

سند کمپانی و برگ سبز وانت سیستم پیکان تیپ ۱۶۰۰ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۷۹ به شماره انتظامی ۶۵۷ د ۱۷ ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۱۵۱۷۹۰۵۹۲۱ به شماره شاسی ۰۰۷۹۹۰۶۶۶۰ مربوط به پردل عبادی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.(ساری)

سندوبرگ سبز وکارت تراکتور کشاورزی مدل ۱۳۹۷ رنگ قرمز به شماره موتور MT۴A۲W۰۹۳۸F و شماره شاسی N۳HKTAD۲CJET۰۰۲۶۳ و شماره پلاک ۴۳۸ ک ۶۸ ایران ۱۴ بنام رمضان رویزی پور مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (شوشتر)

برگ سبز و کارت مشخصات خودرو سواری DENA+EF۷P به شماره پلاک ۳۷۳ ص ۳۴- ایران ۱۴ به رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۴۰۳ و شماره موتور ۱۴۷H۰۸۶۷۲۳۰ و شماره شاسی NAAW۹۱HKARDG۹۱۴۰۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک کارشناسی اینجانب جواد علی میرزایی فرزند عباس به شماره شناسنامه ۳۳۸۰۱۹۵۸۹۸ صادره از بندرعباس در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی مکانیک(حرارت و سیالات) صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب به شماره ۱/۲۸۹۱۵-۱/۰۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران- خیابان کریمخان زند- خیابان ایرانشهر شمالی- نبش آذرشهر پلاک ۲۰۹ و یا کدپستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

مفقودی سند مالکیت (نوبت اول)
اصل سند مالکیت دفترچه‌ای به شماره ورقه ۷۲۹۲۱۷ به مالکیت دارا روحانی و سارا روحانی به شماره ملک ۵۲۸ فرعی از ۴۹۲ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۱۴ قزوین مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

چون ناصر حاجی علی نعلبندیان مالک کامیون مسقف فلزی بنز ال پی ۳۶/۶۰۸ مدل۱۳۵۷ به شماره انتظامی ۶۶۱ع۱۴ ایران ۴۴ موتور ۱۰۰۴۵۱۶۲ شاسی ۱۴۴۰۱۹۲۶ به علت مفقودی سند کمپانی و برگ سبز و کارت مشخصات تقاضای صدور سند المثنی نموده است لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودرو مذکور وجود دارد ظرف ۱۵ روز از تاریخ نشر اگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران کیلومتر ۸ جاده ساوه مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط اقدام خواهدشد. ضمنا مدارک مفقود شده فاقد اعتبار است. (شیراز)

مخاطبین محترم
۱- خانم رقیه اویسی فرزند یحیی به شماره ملی ۰۰۵۳۳۰۵۵۵۸ به نشانی تهران جنت‌آباد کوچه شفیعی پلاک ۵۲ واحد ۸
۲- خانم زهرا اویسی فرزند یحیی به شماره ملی ۰۰۳۷۴۷۰۶۳۹ به نشانی استان البرز شهرستان کرج شهرک پیام بلوار امام رضا سمرا
۳- خانم فاطمه اویسی فرزند یحیی به شماره ملی ۰۰۵۳۲۷۴۱۴۸ به نشانی تهران جاده امامزاده داود سنگان محله وسط پلاک ۹۹
۴- خانم پروانه اویسی فرزند یحیی به شماره ملی ۰۰۵۳۲۷۶۸۳۳ به نشانی استان البرز شهرستان کرج محمدشهر امیرکبیر خیابان یکم بن‌بست ۴ پلاک ۶۴
احتراما به‌اطلاع می‌رساند بر اساس دادنامه‌شماره ۱۴۰۲۶۲۸۳۹۰۰۱۰۹۷۸۵۱۴ مربوطه از شعبه ۲۷۷ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید مفتح تهران محکوم به تنظیم سند بنام متقاضی شده‌اید که از تاریخ ابلاغ این اخطاریه ۵ روز فرصت دارید جهت انجام امور مربوط به نقل و انتقال ملک به این دفتر مراجعه فرمایید. در غیر اینصورت طبق مقررات اقدام خواهد شد.
دفتر ۴۳۹ تهران

استخدام

دعوت به همکاری
موسسه ایی از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید .
- امور مالی : ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری : ۲ نفر آشنا به تایپ فارسی
- واحد فنی : ۲ نفر مرد ـ با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات : ۲ نفر مرد ـ با تحصیلات حدود دیپلم

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ — ۰۲۱ تماس حاصل نمایند .

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

فروش یکجا شهرک ویلایی
گیلان زیبا کنار- ۱۱ویلا با تمام امکانات
۰۹۱۲۸۱۰۹۷۴۷

املاک انتظار شمال
فرصت تکرار نشدنی برای خرید ویلا و زمین در شمال منطقه نور و چمستان به هر قیمتی با بودجه شما همین حالا با ما تماس بگیرید
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک افق
خرید- فروش- رهن- اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

فروش باغ ۵۵۰ متری ماشین رو اختصاصی، دارای ۴۰ عدد درخت میوه، جنب کمربندی، ۲ کیلومتری آبشار شاهلولاک، دارای برق، سهمیه آب
۰۹۳۳۳۰۷۶۲۷۳

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

خرید و فروش وام
خرید وام مسکن جانبازی حتی اگر نوبت شما نرسیده باشد
۰۹۱۹۱۴۸۲۰۳۹
۰۹۱۲۶۵۳۱۴۰۸

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

آگهی‌های مفقودی
برگ سبز خودرو سواری پراید تیپ سایپا ۱۴۱ آی به رنگ نوک مدادی- متالیک مدل ۱۳۸۴ به شماره موتور ۰۱۲۲۵۴۴۹ و شماره شاسی S۱۴۸۲۲۸۴۱۲۴۸۳۳ به شماره پلاک ۳۸۵ ب ۲۶ ایران ۱۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۴

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۲۲/۵۰۰/۰۰۰	۱۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۵/۰۰۰/۰۰۰	۸۲/۵۰۰/۰۰۰	۴۱/۲۵۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله زن روز	۲۸/۶۰۰/۰۰۰	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰
مجله کیهان بچه‌ها	۱۴/۳۰۰/۰۰۰	۷/۱۵۰/۰۰۰	۳/۵۷۵/۰۰۰
مجله کیهان فرهنگی	۲/۲۰۰/۰۰۰	———	———

توجه
۱- اشتراک عزیزانی که فرم درخواست آنها تا دهم هر ماه به امور مشترکین برسد از اول ماه بعد برقرار می‌شود.
۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری نمائید.
۳- در صورت تغییر قیمت نشریات و یا هزینه پستی، معادل مبلغ پرداخت‌شده، نشریه مورد تقاضا ارسال می‌گردد.
۴- در صورت تمایل به اشتراک چند نشریه، برای هر کدام فیش بانکی جداگانه تهیه فرمائید.
۵- قبض پرداختی را می‌توانید به شماره **۰۹۱۲۷۹۳۲۵۶۸** با ذکر مشخصات در کانال تلگرام و یا ایتا قرار داده و به امور مشترکین اطلاع دهید.

فرم تقاضا
نام: ..... نام خانوادگی: ..... نوع نشریه: ..... تعداد نسخه..... مدت..... ماه
مبلغ پرداختی: ..... ریال شماره فیش بانکی: ..... تلفن: ..... تلفن همراه: .....
آدرس:.....
کد پستی: ..... پست الکترونیکی: .....
شماره اشتراک: .....

تلفن: ۳۵۲۰۲۲۷۸-۰۲۱ نمابر: ۳۳۹۱۰۹۲۲-۰۲۱ امور مشترکین موسسه کیهان

ویژه‌نامه تخصصی خودرو با مطالبی متنوع و کاری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید